

# **A Study of the Doctrine of Salvation in the Hereafter from the Perspective of the Twelvers and Asharites<sup>1</sup>**

**Sajjad Fazlali**<sup>\*</sup>

**Hamid Malekmakan**<sup>\*\*</sup> **Naimeh Purmohammadi**<sup>\*\*\*</sup>

(Received on: 2019-12-16; Accepted on: 2020-02-18)

## **Abstract**

Given the principles, the theological approach of the Twelvers and Asharites towards the doctrine of salvation in the Hereafter is different. However, sometimes they have a common view on salvage means. The Twelvers believe that the unity of actions is all-encompassing and purposeful, and by committing to the intellectual goodness and badness of things, they consider man free in his actions. They hold wisdom, divine justice and free will as the foundations of the knowledge of salvation and consider freedom as the basis of perfection for human beings. But the Asharites believe that the only effective factor in creating human deeds is the divine power, and man only plays the role of acquirer. They accept the Sharia goodness and badness and reject the purposefulness in God's actions and hold man to be forced in his deeds. Imami and Asharite theologians consider the believers who oppose their sects and even the followers of other religions to be saved. According to Twelvers, believing in the Imamate of the *Ahl al-Bayt* (AS) (The Prophet's Household) is one of the means of salvation and they hold that giving rewards to the servants is a matter of grace and merit. Relying on divine wisdom and justice, they establish the reward and punishment for the righteous and the wicked on the basis of justice, which is distorted without the reward and punishment of the Hereafter. But the Asharites consider the giving of rewards to the believers as a mere bounty of God. By denying the causal relationship and adhering to the principle of God's habit, they allow duty beyond human power and believe that whatever God does is the same as wisdom and justice, even though it is regarded as oppression by ordinary human minds.

**Keywords:** Twelvers, Asharites, Salvation, Means, Works and Intellectual Oppressed.

---

1. This article is taken from: Sajjad Fazlali, "A Comparative Study of the Salvation in the Hereafter from the Perspective of Twelvers and Asharites", 2019, PhD Thesis in Theological Denominations, Supervisor: Hamid Malekmakan, Faculty of Denominations, University of Religions and Denominations, Qom, Iran.

\* PhD Student in Theological Denominations, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, fazlali@pardisiu.ac.ir.

\*\* Assistant Professor, Faculty of Islamic Teachings and Thought, University of Tehran, Tehran, Iran, (Corresponding Author) h.malekmakan@ut.ac.ir.

\*\*\* Assistant Professor, Department of Philosophy of Religion, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, naemepoormohammadi.urd@gmail.com.

# پژوهش‌نامه امامیه

«مقاله پژوهشی»

سال هفتم، شماره سیزدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۰، ص ۱۱۱-۱۳۱

## بررسی آموزه نجات اخروی از دیدگاه امامیه و اشاعره<sup>۱</sup>

سجاد فضل‌علی\*

حمید ملک‌مکان\*\* نعیمه پورمحمدی\*\*\*

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۹]

### چکیده

رویکرد کلامی امامیه و اشاعره در زمینه آموزه نجات اخروی با توجه به مبانی‌شان متفاوت است. با این حال، گاه درباره اسباب نجات، دیدگاه واحدی دارند. امامیه، توحید افعالی را فراگیر می‌داند و به غرض‌مندی در آن معتقد شده‌اند و با التزام به حسن و قبح عقلی اشیا، انسان را در افعالش مختار می‌دانند. آنها حکمت، عدالت الاهی و اختیار را از مبانی شناخت نجات می‌دانند و آزادی را، مبنای کمال‌یابی برای انسان شمرده‌اند؛ اما اشاعره، یگانه عامل مؤثر در ایجاد اعمال بندگان را قدرت الاهی می‌دانند و انسان را کاسب آن. آنها به حسن و قبح شرعی قائل شده‌اند و غرض‌مندی در افعال خدا را رد می‌کنند و انسان را در انجام‌دادن افعالش مجبور می‌دانند. متکلمان امامیه و اشاعره مؤمنان مخالف مذهب و حتی با شرایطی ادیان دیگر را از نجات‌یافتگان می‌دانند. امامیه، اعتقاد به امامت اهل بیت (علیهم‌السلام) را از جمله اسباب نجات برمی‌شمرند و اعطای ثواب به بندگان را، از باب تفضل و استحقاق می‌دانند. آنها با تمسک به حکمت و عدالت الاهی، ثواب و کیفر برای نیکوکاران و بدکاران را بر مبنای عدالت استوار می‌دانند که بدون پاداش و کیفر اخروی مخدوش می‌شود؛ اما اشاعره اعطای ثواب به مؤمنان را صرفاً تفضل خدا می‌دانند. آنها با نفی رابطه علیت در میان اشیا و تمسک به قاعده عادت‌الله، تکلیف مالایطاق را مجاز می‌دانند و معتقدند هر چه خدا انجام دهد عین حکمت و عدالت است، هرچند در نظر عقول عادی انسان‌ها ظلم به حساب آید.

**کلیدواژه‌ها:** امامیه، اشاعره، نجات، اسباب، آثار و مستضعفان فکری.

۱. برگرفته از: سجاد فضل‌علی، بررسی تطبیقی نجات اخروی در امامیه و اشاعره، رساله دکتری مذاهب کلامی، استاد راهنما: حمید ملک‌مکان، دانشکده مذاهب، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران، ۱۳۹۸.

\* دانشجوی دکتری مذاهب کلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران [fazlali@pardisiu.ac.ir](mailto:fazlali@pardisiu.ac.ir)  
\*\* استادیار دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

[h.malekmakan@ut.ac.ir](mailto:h.malekmakan@ut.ac.ir)

\*\*\* استادیار گروه فلسفه دین، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران [naemepoormohammadi.urd@gmail.com](mailto:naemepoormohammadi.urd@gmail.com)

## مقدمه

مذاهب اسلامی، به خصوص دو مکتب کلامی امامیه و اشاعره، در بسیاری از کلیات احکام و معارف کلامی دیدگاه واحدی دارند. اخذ به مشترکات معارف کلامی زمینه برقراری امنیت پایدار در میان امت اسلامی را فراهم می‌کند. با این حال، متکلمان امامیه و اشاعره در پاره‌ای از مباحث مرتبط در حوزه خداشناسی، راهنماشناسی، فرجام‌شناسی و در مباحث اخلاقی و بخشی از احکام فردی و اجتماعی اسلام، رویکرد متفاوتی دارند. راز تعدد مذاهب، استنباط متفاوت از منابع دینی و اوضاع و احوال زندگی انسان‌ها در مقاطع مختلف تاریخ اسلام است. پرسش این است که: آیا پیروان مذاهب از حقانیت و نجات‌بخشی یکسانی برخوردار بوده‌اند، به گونه‌ای که انجام‌دادن تکالیف دینی بر اساس آموزه‌های همه مذاهب اسلامی، موجب نجات‌بخشی انسان شود و زمینه دستیابی به بهشت جاویدان را برای آنان فراهم کند یا اینکه از میان مذاهب اسلامی یکی اهل نجات و برحق بوده و بقیه آمیزه‌ای از حق و باطل‌اند و عمل به تعالیم یکی از مذاهب اسلامی مایه رستگاری در آخرت می‌شود و نجات پیروان دیگر مذاهب مشروط به تحقق شرایط خاصی است. در نوشتار حاضر می‌کوشیم دیدگاه‌های کلامی دو مکتب امامیه و اشاعره را در زمینه آموزه نجات و مباحث مرتبط با آن به صورت مقایسه‌ای بررسی کنیم و آثار و نتایج دیدگاه‌های متکلمان این دو مکتب کلامی درباره مبانی و اسباب نجات اخروی را نشان دهیم. در پایان هم وجوه اشتراک و افتراق دیدگاه آنها را بیان خواهیم کرد.

انگیزه اصلی در این پژوهش، شناخت رویکردهای مشترک متکلمان امامیه و اشاعره در زمینه آموزه نجات، و تقویت و ترویج آن در میان پیروان دو مکتب کلامی در راستای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز است. مطالعات مقایسه‌ای در عرصه دین و مباحث اعتقادی ضروری است و نقش ممتازی در روند تقریب و وحدت پیروان مذاهب اسلامی دارد. در این میان یکی از آموزه‌های مهم و حیاتی که از وجوه مشترک دو مذهب کلامی امامیه و اشاعره به شمار می‌رود، بحث نجات و امیدواری به فردای روشن است. این مقاله در راستای ضرورت تقویت اندیشه تقریب در میان پیروان دو مکتب کلامی امامیه و اشاعره، آرا و مشترکات کلامی این دو مکتب را، در زمینه مبانی و اسباب نجات اخروی، به صورت مقایسه‌ای، بیان می‌کند.

### ۱. مفهوم‌شناسی «نجات»

لفظ «نجات» مصدر فعل «نجا»، «ینجو» است و اصل اولیه‌اش بر جداشدن و انفصال دلالت دارد (راغب اصفهانی، بی‌تا: ۴۸۳). بیشترین استعمال این واژه در مفهوم ضد هلاکت و به معنای

خلاص شدن، رهایی‌یافتن و سالم ماندن از چیزی است که ناخوش و ناپسند باشد (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۳۰۵/۱۵). مراد از استعمال واژه «نجات» در مباحث کلامی، نجات اخروی، رهایی از عذاب سخت قیامت و در نهایت رسیدن به فوز و فلاح است.

## ۲. مبانی نجات اخروی از دیدگاه امامیه

آموزه نجات و رهایی به صورت فطری بر روح و روان آدمی تأثیر می‌گذارد و زمینه تعادل روحی در زندگی انسان‌ها را فراهم می‌کند. این آموزه در حوزه فرجام‌شناسی نیز مطرح بوده و زندگی پرنشاط و همراه با آرامش و صلاح در آخرت را برای انسان نوید می‌دهد. واژه «مبانی» جمع «مبنا» است و از ریشه «بني» و به معنای اساس، پایه و هر چیزی است که با تکیه بر آن بر رویش چیزی قرار دهند (راغب اصفهانی، بی‌تا: ۱۴۷). در اصطلاح دانش کلام، «مبانی» به آن دسته عناصر محوری اعتقادی اطلاق می‌شود که جنبه زیربنایی برای معارف کلامی دارند و در تبیین آموزه‌های کلامی مؤثرند. در ادامه، این نوشتار مبانی متکلمان امامیه و اشاعره درباره آموزه نجات را می‌کاود.

### ۲.۱. اراده الاهی و اختیار انسان

متکلمان امامیه، ضمن تأکید بر شمول توحید افعالی خداوند، بحث افعال و اختیار انسان را از مبانی نجات‌شناسی به شمار آورده‌اند. عالمان امامیه معتقدند خداوند توانایی انجام‌دادن افعال را به انسان بخشیده و آدمی با توانایی و قدرتی که دارد، افعال خویش را انجام می‌دهد. محقق طوسی وجود اراده و اختیار در انسان را فطری و وجدانی می‌داند و می‌گوید انتخاب انجام‌دادن یک کار از میان چند کار دلیل بر وجود صفت اختیار در وجود انسان است (نصیرالدین طوسی، ۱۴۰۵: ۴۷۷). اندیشمندان امامیه در باب افعال انسان، با الهام‌گیری از حدیث امام صادق (علیه السلام) «لا جبر و لا تفویض بل امر بین الأمرین» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۹۷/۴) قائل به وجود اختیار در آدمی شده و آن را از امور وجدانی در انسان دانسته‌اند و تفکر جبر و تفویض را نفی کرده‌اند (مفید، ۱۴۱۳: ۴۸). متکلمان امامیه معتقدند در افعال اختیاری انسان، هم اراده خدا و هم اراده انسان در طول یکدیگر دخالت دارد. آنها برای اثبات این اندیشه چنین استدلال کرده‌اند که رابطه اراده انسان با اراده الاهی به سه صورت متصور است:

الف. در تحقق هر فعل فقط یک اراده دخالت دارد و آن هم اراده خدا است که نتیجه‌اش جبر است؛

ب. فقط اراده انسان در تحقق فعل دخیل است که در این صورت منجر به تفویض می‌شود؛

بررسی آموزه نجات اخروی از دیدگاه امامیه و اشاعره .../۱۱۵

ج. اما اگر به تأثیر هر دو اراده معتقد باشیم، نتیجه اش «امر بین الامرین» می شود؛ بدین ترتیب اندیشه جبر و تقویض باطل و مردود است و در نهایت، رویکرد اختیار، معقول و معتدل است و به اثبات می رسد (فیاض لاهیجی، ۱۳۸۳: ۳۲۷).

## ۲.۲. حکمت الاهی

بر اساس آموزه های اسلامی، آزمایش و عبادت علت آفرینش انسان به شمار آمده و جهان آفرینش و آنچه در زمین است، برای انسان تعبیه شده است. لذا غایت حکیمانه ای که خداوند در مسیر خلقت جهان لحاظ کرده است، تکامل انسان و رسیدن او به درجات والای وجودی و معنوی، و در نهایت بهره مندی انسان از نعمت های الاهی برای رشد و پیشرفت و رسیدن به قله سعادت ابدی است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵۷۹/۱۸). عالمان امامیه معتقدند انسان ها آزاد و دارای اختیار آفریده شده اند و تکالیف الاهی بر مبنای قدرت و اختیار، بر عهده آنها گذاشته شده است؛ از این رو اعمال آدمی آثار و تبعاتی دارد که بازتابش در جهان دیگر به خود انسان ها برمی گردد (بقره: ۲۸۶)؛ و خداوند بندگانش را به فعلی که توانایی انجام دادن آن را ندارند، مکلف نمی کند. امامیه، اعطای ثواب و عقاب را نشانه اختیار انسان می دانند و معتقدند اگر انسان در افعال خویش مختار و صاحب اراده نباشد، مدح و ذم، ثواب و عقاب وی بی معنا می شود و تکلیف کردن انسان خلاف داده های عقلی است (حلی، ۱۳۷۸: ۱۰۰). مطابق حکمت الاهی، ثواب دادن به مطیعان، و انتقام از ظالمان در روز رستاخیز اجتناب ناپذیر است و این هشدار و وعده ای الاهی است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۳۹/۶). در قرآن بارها به این حقیقت اشاره شده است که بسیاری از ظالمان در همین دنیا نیز گرفتار کیفرهای شدیدی می شوند (هود: ۱۰۲؛ حج: ۴۵). اما مؤمنانی که به دستورهای الاهی ملتزم بوده و از فرمان های خدا تخطی نکرده اند و اعمال نیک و صالح انجام داده اند، در روز قیامت غرق در نعمت های الاهی هستند و پاداش کردار خیرشان را می یابند و این تفضلی است که خدا بر اساس حکمت خویش در برابر ایمان و رفتار نیک مؤمنان انجام می دهد و زمینه نجات و شادی شان را در عالم دیگر فراهم می کند.

## ۲.۳. عدل الاهی

خداوند پس از آفرینش بندگانش، آنها را به ایمان و انجام دادن اعمال صالح دعوت کرده است. مردم از لحاظ پذیرش این دعوت دو دسته شده اند؛ برخی فرمان های الاهی را پذیرفته اند و نظام فکری و

اخلاقی خود را بر آن تطبیق داده و جزء بندگان صالح خدا شده‌اند. برخی دیگر نپذیرفته و به بدکاری و فساد روی آورده‌اند. از این‌رو خداوند بر اساس صفت عدل، افعالش منزّه از ارتکاب فعل بد و ترک واجب بوده و به مطیعان وعده ثواب، و به عاصیان وعده عذاب داده است (حلی، ۱۳۷۸: ۹۶). با توجه به اینکه تخلف از وعده و وعید از نظر عقل و شرع ناروا بوده و در نهایت خداوند در عالم دیگر به این وعده‌ها و هشدارها جامه عمل پوشانیده و مجرمان را به کیفر اعمالشان می‌رساند (مطهری، بی‌تا: ۶۹/۳) اگر پاداش و کیفر اخروی نباشد، عدل الاهی مخدوش می‌شود و لازمه‌اش دادن نسبت کذب به ساحت قدس الاهی خواهد بود، در حالی که وعده خدا تخلف‌ناپذیر است و ساحت خداوند از کذب مبرا است، چنان‌که دسته‌ای از آیات قرآن به این گفته دلالت دارد که جزا و پاداش کردار آدمی در عالم آخرت، مقتضای عدل الاهی است (یونس: ۴۴؛ آل عمران: ۱۰۸).

متکلمان امامیه معتقدند اعطای ثواب و کیفر برای نیکوکاران و بدکاران در عالم آخرت، بر مبنای حسن و قبح ذاتی افعال است. مطابق این نظریه، احکام شرعی، دایره مدار مصالح و مفاسد واقعیه است که در متعلقات آنها موجود است و هر چیزی که در واقع دارای مصلحت باشد شارع به آن امر می‌کند و از هر چیزی که در واقع مفسده داشته باشد، باز می‌دارد و خداوند عمل قبیح را نمی‌پذیرد (حلی، ۱۳۷۸: ۲۰۲). بر این اساس، پاداش و مجازات الاهی بر مبنای عدالت و استحقاق صورت می‌گیرد (مفید، ۱۴۱۳ الف: ۵۷-۵۸؛ ربانی گلپایگانی، ۱۴۱۸: ۱۹۸).

## ۲.۴. حسن و قبح افعال

خداوند بندگان بدکار و متخلفش را در صورتی در عالم قیامت کیفر می‌دهد و مجازات می‌کند که پیش از آن و در عالم دنیا برای هدایت آنان کتاب‌های آسمانی نازل کرده و پیامبران (علیهم‌السلام) را فرستاده است تا مردم را در راه سعادت و کمال‌یابی دعوت کنند. از این‌رو هر گاه از جانب خدا برای راهنمایی بنده‌اش بیانی صادر نشده باشد یا صادر شده اما به وی نرسیده باشد بندگان مقصر نیستند و مؤاخذه آنان از نظر عقل با استناد به «قاعده قبح عقاب بلا بیان» (وحدید بهیمنی، ۱۴۱۵: ۶۴/۱) که مبتنی بر پذیرش «حسن و قبح عقلی» است، ناروا است و مولای حکیم پیش از ابلاغ دستورهای خویش نمی‌تواند به دلیل تخلف بندگان آنها را مجازات کند (طیب، ۱۳۶۲: ۱۴۸). آیاتی از قرآن نیز مؤید این قاعده است و ذات باری، مردم هیچ منطقه‌ای را نابود نکرده است، مگر آنکه پیامبری را برای هدایت آنان فرستاده باشد (قصص: ۵۹؛ اسراء: ۱۵؛ توبه: ۱۱۵).

بررسی مبانی نجات از دیدگاه امامیه نشان می‌دهد که آنها، با التزام به شمول توحید افعالی، انسان را در انجام دادن اعمالش دارای اختیار دانسته و معتقدند بر اساس حکمت الهی، اگر انسان در انجام دادن افعالش مختار نباشد، مدح و ذم، ثواب و عقاب وی بی‌معنا است و تکلیف کردن انسان خلاف داده‌های عقلی است. متکلمان این مکتب معتقدند کیفر مجرمان و اعطای ثواب به مؤمنان مطابق عدل الهی است و ذات باری، بندگان را در صورتی ثواب و جزا می‌دهد که پیش از آن و در عالم دنیا برای هدایت آنان پیامبرانی فرستاده باشد.

### ۳. مبانی نجات اخروی از دیدگاه اشاعره

متفکران اشاعره نیز در شرح و تفسیر آموزه نجات، ملتزم به دسته‌ای از مبانی شده‌اند. در ادامه، این آموزه با استناد به مبانی این مکتب کلامی بررسی می‌شود.

#### ۳.۱. اراده مطلقه الهی و اختیار انسان

اراده الهی از مهم‌ترین مبانی و محور تفکرات اشاعره در بحث نجات اخروی محسوب می‌شود. اشاعره این صفت ذات باری را در مقام فعل و خلقت تفسیر کرده‌اند که در پرتو حکمت و عدل الهی تجلی می‌یابد (غزالی، بی‌تا: ۱۵۶/۱). متکلمان اشاعره، با التزام به اراده مطلقه الهی، افعال انسان را مخلوق خدا دانسته‌اند و نقش انسان را در تحقق افعال اختیاری‌اش، فقط در قالب کسب، تفسیر کرده‌اند. آنها معتقدند هنگامی که آدمیان اراده می‌کنند تا عملی را انجام دهند، خداوند آن عمل را خلق، و سپس انسان، عمل حادث شده را کسب می‌کند؛ زیرا قدرت حادث انسان شایستگی و توان ایجاد فعل را ندارد (آمدی، ۱۴۲۳: ۳۸۳/۲).

اندیشه خلق شدن افعال آدمیان به دست خداوند که اشاعره بدان ملتزم‌اند، جبر در افعال انسان است که با اصل تنزیه خدا از ظلم، که عقل و شرع، ذات باری را از آن پیراسته می‌دانند، در تنافی است و با وجدان و فطرت انسان نیز سازگاری ندارد. افزون بر آن، اگر انسان در اعمال اختیاری‌اش صاحب اراده نباشد، مدح و ذم و اعطای ثواب و عقاب مفهومی ندارد و مکلف خواندن انسان خلاف حکم عقل است (سبحانی، بی‌تا: ۲۶۷).

#### ۳.۲. حکمت الهی

متکلمان اشاعره، افعال الهی را معلل به اغراض و غایات ندانسته‌اند و مفهوم «حکمت» را که بارها در آیات قرآن آمده است (بقره: ۲۱۹؛ هود: ۷؛ آل عمران: ۹۷؛ فاطر: ۱۵) توجیه کرده و معتقدند هر

آنچه خدا انجام می‌دهد حکمت است نه اینکه آنچه دارای حکمت است خدا انجام می‌دهد (ایبجی، ۱۳۲۵: ۲۰۲/۸-۲۰۶). عالمان اشعری با انکار هدفمندی از افعال خدا، قول به رعایت و جوب صلاح و اصلح بر خداوند برای بندگان را باطل می‌دانند و معتقدند ذات باری غنی بالذات است و نیازی به چیزی بیرون از ذات ندارد تا در صدد رعایت احسان، عوض و اصلح باشد. آنها برای نفی قاعده اصلح از افعال الاهی چنین استدلال کرده‌اند که اعتقاد به وجوب اصلح در افعال خدا مستلزم آن است که خدا را مکلف و مستوجب مدح و ذم و ناقص فرض کنیم؛ و این باور، با کمال و غنی مطلق بودن الاهی در تنافی است. در نتیجه، رعایت و جوب اصلح بر خدا واجب نیست (تفتازانی، ۱۴۰۹: ۳۳۱/۴).

همچنین، متکلمان اشاعره، رابطه علیت در میان موجودات عالم و افعال الاهی را انکار کرده و معتقدند علاقه علی میان حوادث وجود ندارد، بلکه عادت خدا بر این تعلق گرفته است که برخی حوادث را در پی برخی دیگر خلق کند؛ اما خداوند می‌تواند هر گاه اراده کند به این رویه خاتمه دهد و آن را قطع کند (ایبجی، ۱۳۲۵: ۲۰۲/۸).

### ۳.۳. عدل الاهی

بر مبنای تفکرات کلامی مکتب اشاعره در باب عدالت خدا و اراده مطلقه الاهی، بر خداوند جایز است که به انسان‌ها تکلیفی کند که از انجام‌دادن آن عاجز و ناتوان‌اند (غزالی، بی‌تا: ۳/۲؛ فخر رازی، ۱۴۱۱: ۷۹). متکلمان اشاعره بر اساس رویکردی که در باب عدالت جزایی خدا برگزیده‌اند، معتقدند بر خدا جایز است که در آخرت فضل و کرمش را شامل همگان کند و همه را به بهشت ببرد. همین‌طور جایز است به هیچ کس تفضل نکند و نعمت را از همه دریغ و منع کند. آنها معتقدند چنین فعلی عین عدل الاهی است، هرچند در نظر عقول عادی انسان‌ها ظلم به حساب آید؛ زیرا افعال خدا سراسر عدل است و عقل آدمی میزان داوری درباره افعال خدا محسوب نمی‌شود (ابن‌فورک، ۱۴۲۵: ۱۴۱). مطابق دیدگاه مکتب اشاعره، کسانی اهل نجات بوده و از حیات طیبه در عالم قیامت بهره‌مندند که به مبانی فکری آنان معتقد باشند و در مقام عمل از آن تخلف نورزند.

### ۳.۴. حسن و قبح افعال

اشاعره در باب حسن و قبح افعال، قائل به حسن و قبح شرعی‌اند. آنها می‌گویند «حَسَن» آن چیزی است که شرع آن را حَسَن می‌شمارد و «قَبِيح» آن چیزی است که شرع آن را قَبِيح بداند. طبق مبنای



فکری اشاعره، دروغ، خیانت در امانت، بی وفایی و ...، از آن جهت زشت و قبیح است که شارع مقدس آنها را نهی کرده، و راستی و وفای به عهد و امانت‌داری از آن جهت پسندیده است که شارع، آنها را حسن معرفی کرده و به انجام‌دادن آن فرمان داده است. بر اساس این رویکرد، هر گاه بنده‌ای به آموزه‌های شرع ملتزم باشد و در مقام عمل از آن تخلف نرزد، زمینه نجاتش در عالم قیامت فراهم می‌شود (شهرستانی، ۱۴۲۵: ۲۰۸؛ الله‌بداشتی، ۱۳۹۲: ۴۶۰). طبق مبنایی که متکلمان اشاعره در باب حسن و قبح افعال برگزیده‌اند، تکلیف انسان‌ها را فقط شرعی می‌دانند. آنها معتقدند از راه اوامر و نواهی پیامبران الهی (علیهم‌السلام) می‌توان شرعی‌بودن تکالیف شرعی را اثبات کرد (ایجی، ۱۳۲۵: ۳۰۷/۸).

#### ۴. اسباب نجات اخروی از دیدگاه امامیه

بر اساس مباحث مطرح‌شده در حوزه مبانی نجات، در ادامه اسباب نجات اخروی را، با استفاده از رویکرد متفکران امامیه و اشاعره، در دو محور اعتقادی و رفتاری، بررسی می‌کنیم.

##### ۴.۱. اعتقادی

یکی از محوری‌ترین اسباب نجات اخروی انسان‌ها، از دیدگاه متکلمان امامیه، اعتقاد به مبدأ، رسالت پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، پیام‌های آسمانی، روز رستاخیز و ولایت اهل بیت (علیهم‌السلام) است. برای تبیین بهتر گستره اهل نجات، رویکرد آنها را در زمینه این آموزه نجات بررسی می‌کنیم.

##### ۴.۱.۱. ایمان

متکلمان امامیه حقیقت «ایمان» را به معنای تصدیق، پذیرش و باور قلبی دانسته‌اند که عمل و اقرار زبانی از لوازم آن به شمار می‌آید (بحرانی، ۱۴۰۶: ۱۷۰؛ حمصی رازی، ۱۴۱۲: ۱۶۲/۲). طباطبایی با استناد به دسته‌ای از آیات مانند «و جحدوا بها واستیقنتها انفسهم» (نمل: ۱۴) و «اضله الله علی علم» (جاثیه: ۲۳) ایمان را قرارگرفتن عقیده در قلب و التزام عملی به آن دانسته است. وی معتقد است ایمان، اعتقاد و علمی است که در جان آدمی رسوخ کرده، زمینه تحقق اوصاف نفسانی و اعمال بدنی را فراهم می‌کند و باعث نجات انسان‌ها در عالم آخرت می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۲۷/۸). همچنین، مطهری ماهیت ایمان را تسلیم قلبی می‌داند و معتقد است این نوع تسلیم، مساوی با تسلیم سراسر وجود انسان، و نفی هر گونه جحود و عناد است (مطهری، بی‌تا: ۲۹۱/۱).

بنابراین، از دیدگاه الاهی‌دانان امامیه، اعتقاد علمی، که با جان و قلب انسان معتقد عجین شده و در اوصاف نفسانی و اعمال بدنی‌اش جلوه می‌کند، سبب نجات انسان در عالم آخرت می‌شود.

#### ۲.۴. عملی و رفتاری

واژه «عمل» به رفتارهای اختیاری انسان اطلاق می‌شود (راغب اصفهانی، بی‌تا: ۳۴۸). در ادامه، به نقش محوری عمل صالح، که در نجات و سعادت‌مندی انسان‌ها مؤثر است، اشاره می‌کنیم.

#### ۱.۲.۴. عمل صالح

متکلمان امامیه با استناد به دسته‌ای از آیات قرآن (فاطر: ۱۰؛ قصص: ۷۹؛ شوری: ۲۰) عمل صالح را لازمه ایمان و از جمله اسباب نجات اخروی مؤمنان می‌دانند (احمدی، ۱۳۸۷: ۱۲۵ و ۱۲۶). به باور آنها، آنچه انسان را در راه قرب به خدا به پیش می‌برد و روحش را تعالی می‌بخشد، عمل صالح است (مصباح یزدی، بی‌تا: ۴۵۴).

#### ۲.۲.۴. عفو الاهی، توبه و شفاعت

الاهی‌دانان امامیه با استناد به دسته‌ای از آیات قرآن کریم (توبه: ۱۰۴؛ شوری: ۲۵؛ زمر: ۵۳) و روایات اسلامی، عفو الاهی، توبه و شفاعت را جزء اسباب نجات اخروی شمرده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۴۲/۱).

#### ۳.۲.۴. اتمام حجت نشدن با بندگان

امامیه یکی دیگر از اسباب نجات اخروی انسان‌ها را استضعاف فکری و اوضاع و احوال محیطی دانسته‌اند. آنها معتقدند کسانی که به دلیل وضعیت محیطی و فکری‌شان از دین اسلام و دستورهایش آگاهی لازم نداشته‌اند و عنادی هم با حقیقت و فرمان‌های الاهی ندارند، اهل نجات هستند و از عقاب اخروی در امان خواهند بود (سید مرتضی، ۱۴۱۱: ۱۲۱). با تبیین اسباب نجات از منظر الاهی‌دانان امامیه، در ادامه، دیدگاه آنها را درباره نجات‌یافتگان از عقاب خدا، در دو حوزه ایمان و رفتار، و در سه محور کلی تبیین خواهیم کرد.

۱. مؤمنان آلوده به گناه؛ عده‌ای از مسلمانان، با وجود اینکه به مبداء رسالت پیامبر اسلام ﷺ، پیام‌های الاهی و عالم رستاخیز ایمان دارند، از نظر عمل و رفتار گناه مرتکب گناه کبیره می‌شوند. این طیف از افراد نیز در صورت توبه، از عذاب خدا رهایی می‌یابند و پاداش الاهی را

بررسی آموزه نجات اخروی از دیدگاه امامیه و اشاعره ... ۱۲۱

دریافت می‌کنند و در آخرت در زمره اهل نجات قرار می‌گیرند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۸۰/۴)؛ و اگر گناهشان از روی عناد و مخالفت با حق باشد، در عذاب جهنم گرفتار خواهند بود (همان: ۱۷۱/۲).

۲. مؤمنان مخالف مذهب؛ میان عالمان امامیه درباره سرنوشت این طیف از مسلمانان در جهان پس از مرگ، اختلاف نظر دیده می‌شود:

الف. عده‌ای از متکلمان امامیه، امامت را از اصول مذهب می‌دانند و معتقدند مؤمنان مخالف مذهب، در صورتی که معتقد به اصول دین و دارای عمل صالح باشند، از اهل نجات به حساب می‌آیند (مفید، ۱۴۱۳ الف: ۴۴).

ب. اما جمعی از آنان، امامت را از اصول دین به حساب می‌آورند و مؤمنان مخالف آن را کافر می‌دانند و اهل نجات نمی‌دانند (حلی، ۱۳۷۸: ۴۹۷).

۳. غیرمسلمانان؛ در این خصوص نیز بین متکلمان امامیه اختلاف نظر وجود دارد.

الف. کسانی که به صورت مطلق کافرند، اعم از اینکه کافر معاند باشند یا در کفر خویش مقصر باشند. در این صورت همیشه به عذاب الهی گرفتارند و اهل نجات نخواهند بود (نصیرالدین طوسی، ۱۴۰۵: ۴۰۱).

ب. گروهی که در کفر خود معاند و مقصر نباشند، بلکه مستضعف فکری و اعتقادی به شمار آیند. اینها از جمله نجات‌یافتگان اند (کلینی، ۱۳۶۲: ۴۰۶/۲).

ج. اگر به خدا اعتقاد داشته و از نظر رفتار نیز دارای عمل صالح باشند، در برابر آن پاداش می‌گیرند و اهل نجات به شمار می‌آیند.

د. اگر غیر مؤمن به خدا و تعالیم آسمانی باشند اما دارای نیت خالص و عمل خیر باشند، اهل نجات محسوب می‌شوند.

ه. آنهایی که کافرند و ایمانی به خدا ندارند، اما کفرشان بر اثر عناد با حق نیست، بلکه به سبب دسترسی نداشتن به تعالیم الهی و تمام نبودن حجت بر آنها است. چنین افرادی معذور، و اهل نجات‌اند.

و. سایر انسان‌هایی که جزء گروه‌های مذکور به حساب نیامده و توان دسترسی به تعالیم حیات بخش الهی را دارند اما برای نابودی حق کوشیده و عناد ورزیده‌اند (نساء: ۱۵۰) در عذاب جهنم جاودانه خواهند بود (سبحانی، ۱۴۳۲: ۳۳۳).

اندیشه غالب در میان متکلمان امامیه این است که آنها امامت را از اصول مذهب دانسته‌اند و آن طیف از مسلمانانی که به امامت اهل بیت (علیهم‌السلام) اعتقاد نداشته‌اند اما در مقام عمل به آموزه‌های

دینی و معارف اسلامی ملتزم بوده و عمل صالح انجام داده‌اند و عناد و عداوتی با اهل بیت پیامبر ﷺ نداشته بلکه به آنان اظهار محبت و دوستی کرده‌اند، در زمره نجات‌یافتگان محسوب می‌شوند. همچنین، از نظر عالمان امامیه، آن دسته از غیرمؤمنانی که مرتکب گناه کبیره شده و گناهشان از روی عناد نباشد، در روز قیامت از عذاب الاهی در امان‌اند؛ اما کافرانی که گناهشان از روی عناد باشد و با حق مخالفت بورزند، زمینه‌ای برای بخشایش و پاک‌شدنشان وجود ندارد و همیشه در عذاب جهنم گرفتار خواهند بود.

## ۵. اسباب نجات اخروی از دیدگاه اشاعره

متکلمان اشاعره در باب تحقق افعال انسان، فقط اراده مطلقه الاهی را مؤثر دانسته و معتقدند اعمال صادره از آدمی در صورتی در نجات اخروی وی مفید است که خداوند را خالق افعال بندگان، و بندگان را کاسب آن بدانیم. بر اساس همین مبنای خدامحورانه‌ای که اشاعره در حوزه رفتار انسان‌ها اتخاذ کرده و فقط آنها را کاسب افعالشان می‌دانند، به ایمان و کفرشان مدح یا ذم تعلق گرفته و زمینه سعادت‌مندی یا شقاوتشان را در آینده فراهم می‌کند. در ادامه، اسباب نجات اخروی از منظر آنان را، در دو حوزه بینش و کنش، بررسی می‌کنیم.

### ۵.۱. اعتقادی

باور قلبی و اذعان به مبدأ واحد و رسالت پیامبران الاهی ﷺ و پیام‌های آسمانی یکی از مهم‌ترین اسباب نجات انسان‌ها در جهان پس از مرگ است. در ادامه، دیدگاه الاهی‌دانان اشاعره را در موضوع این آموزه بررسی می‌کنیم.

#### ۵.۱.۱. ایمان

متکلمان اشاعره، ایمان را به معنای تصدیق و پذیرش قلبی دانسته‌اند که همراه با معرفت از طریق امر شارع به دست می‌آید (ایجی، ۱۳۲۵: ۳۶۷/۸). همچنین، تفتازانی با استناد به دسته‌ای از آیات قرآن، ایمان را فعل قلبی می‌داند و معتقد است ایمان از سنخ معرفت نیست، بلکه از سنخ تصدیق و به معنای گرویدن است (تفتازانی، ۱۴۰۹: ۱۸۹/۵)، چنان‌که ابوحامد محمد غزالی نیز ایمان را به تصدیق قلبی تفسیر کرده و زبان را ترجمان این امر قلبی دانسته است. وی جایگاه ایمان را در قلب می‌داند و تصدیق را به تسلیم خاص قلبی معنا می‌کند و آن را غیر از علم و معرفت می‌داند

بررسی آموزه نجات اخروی از دیدگاه امامیه و اشاعره ... ۱۲۳/

(غزالی، ۱۴۱۶: ۱/۱۰۵). بر اساس مبانی اعتقادی اشاعره، این گرایش و خضوع قلبی و اذعان و باور درونی راجع به خدا، از جمله مهم‌ترین اسباب نجات مؤمنان پس از مرگ است.

## ۵. ۲. عملی و رفتاری

عمل و رفتار سازنده، نقش اساسی در تعیین سرنوشت انسان‌ها دارد. در ادامه رویکرد اشعریان در زمینه رفتار نجات‌بخش و عمل بر طبق ایمان بررسی می‌شود.

## ۵. ۲. ۱. عمل نیک

متکلمان اشاعره، همانند الاهی‌دانان امامیه، تمامی اسباب نجات گفته‌شده در حوزه رفتار و کنش انسان‌ها مانند عمل صالح، عفو، توبه و شفاعت را، وسیله نجات آدمیان می‌دانند و معتقدند مؤمنانی که عمل صالح و نیک انجام می‌دهند، از پاداش الاهی بهره‌مند و پس از مرگ سعادت‌مند می‌شوند (جویی، ۱۴۱۶: ۸۸). آنها درباره مؤمنانی که مرتکب گناه کبیره شده‌اند می‌گویند گناهکاران مستحق عذاب الاهی‌اند، اما در نهایت نجات می‌یابند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳/۵۷۸-۵۸۱؛ شهرستانی، ۱۳۶۴: ۱/۱۱۵).

## ۵. ۲. ۲. اتمام حجت نشدن با بندگان

اشاعره در سببیت نجات اخروی کسانی که به دلیل اوضاع و احوال محیطی و فکری‌شان از دین اسلام و دستورهای آن مطلع نشده‌اند و عنادی هم با حقیقت ندارند، با امامیه هم عقیده‌اند و آن را یکی از اسباب نجات اخروی برمی‌شمرند (ایچی، ۱۳۲۵: ۸/۱۷۰). با تبیین اسباب نجات اخروی از منظر متکلمان اشاعره، در ادامه، رویکرد آنها درباره نجات‌یافتگان از عقوبت الاهی را بررسی می‌کنیم.

۱. مؤمنان گناهکار؛ رویکرد اشاعره، در موضوع انسان‌شناسی و جهان‌شناسی بر این مبنا استوار است که آنها معتقدند خدا آنچه را که فعل، ایجاد، خلق و احداث است، خود انجام می‌دهد و انسان‌ها توان انجام‌دادن این امور را ندارند و بشر فقط قدرت کسب دارد و با کسب اعمال نیک ثوابی به دست می‌آورد و با انکار و تمرد از دستورهای الاهی مستوجب عذاب می‌شود. متکلمان اشاعره در باب مؤمنان اهل معصیت معتقدند سرنوشت آنها در دست خدا است و اگر خدا اراده کند آنها را می‌بخشاید و به بهشت وارد می‌کند و اگر اراده نکند، نخست گناهکاران را، به اندازه گناهشان عقاب می‌کند و در نهایت مشمول لطف خویش قرار می‌دهد و وارد بهشت می‌کند (تفتازانی، ۱۴۰۹: ۵/۱۳۲).

۲. **مؤمنان مخالف مذهب؛** متکلمان اشاعره، همانند امامیه، درباره مؤمنان مخالف مذهب خودشان، دو نوع دیدگاه اتخاذ کرده‌اند؛ عده‌ای از آنها مؤمن مخالف مذهب را کافر می‌دانند و آنها را اهل نجات نمی‌دانند (بغدادی، ۱۴۰۸: ۳۰۴)، اما جمعی از متکلمان اشاعره، مخالفان مذهبی‌شان را مؤمن و اهل نجات می‌دانند (تفتازانی، ۱۴۰۹: ۱۳۲/۵).

۳. **غیرمسلمانان؛** همچنین، اشعریان درباره اینکه آیا غیرمسلمانان از نجات‌یافتگان در روز رستاخیزند اختلاف نظر دارند:

الف. برخی از اشعریان، به کفر غیرمسلمانان معتقد شده و عذابشان را جاودانه دانسته‌اند (تفتازانی، ۱۴۰۹: ۱۳۱/۵؛ ایجی، ۱۳۲۵: ۳۰۷/۸).

ب. عده‌ای از متکلمان اشاعره، میان غیرمسلمانان، قائل به تفصیل شده و گروهی را به دلیل اوضاع و احوال محیطی و نداشتن عناد و تمام‌نبودن حجت، اهل نجات دانسته‌اند؛ ولی کسانی را که با اسلام و حق عناد داشته و از روی غرض‌ورزی ایمان نیاورده‌اند، اهل نجات ندانسته و مخلد به عذاب الاهی می‌دانند (ایجی، ۱۳۲۵: ۱۷/۱).

#### ۶. مقایسه دیدگاه امامیه و اشاعره

امامیه و اشاعره در بیشتر اسبابی که برای نجات اخروی ذکر شد، اتفاق نظر دارند، اما اندیشه آنها، با توجه به مبانی متفاوتشان در مباحث کلامی، در مسائل متعدد مختلف است. در ادامه، وجوه افتراق دیدگاه‌های آنان درباره اسباب نجات را بررسی می‌کنیم.

#### ۶. ۱. تفاوت دیدگاه‌ها درباره برخی از اسباب نجات اخروی

دیدگاه امامیه و اشاعره در پاره‌ای از اسباب نجات متفاوت است و اختلاف نظرشان در مباحث کلامی، در مبانی هر دو مکتب ریشه دارد، که در ادامه بحث به دو محور از تفاوت رویکرد آنها در زمینه اسباب نجات می‌پردازیم.

#### ۶. ۱. ۱. اعتقاد به امامت و ولایت اهل بیت (علیهم‌السلام)

عالمان امامیه، علاوه بر ایمان و عمل صالح که از شرایط اصلی نجات اخروی است، اعتقاد به امامت و ولایت اهل بیت (علیهم‌السلام) را نیز از شرایط نجات می‌دانند. امامیه معتقدند پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در مناسبت‌های مختلف، خصوصاً در ماجرای غدیر خم، امامت بلافضل حضرت علی (علیه‌السلام) را اعلام

کرده‌اند و اعلام مکرر این مسئله مهم از لسان پیامبر ﷺ آن را به حد ضرورت رسانده است. لذا بر مبنای کلامی امامیه، اعتقاد و التزام به ولایت اهل بیت (علیهم‌السلام) مایه نجات امت است و وسیله سعادت مؤمنان را در عالم آخرت فراهم می‌کند (مفید، ۱۴۱۳ الف: ۴۴؛ کلینی، ۱۳۶۲: ۶۳/۲)؛ اما متکلمان اشاعره امامت بلافصل اهل بیت (علیهم‌السلام) را از اسباب نجات انسان‌ها در عالم پس از مرگ نمی‌دانند. همچنین، دیدگاه متکلمان امامیه و اشاعره درباره نحوه اعطای ثواب به بندگان و شاکله نجات آنان، متفاوت است.

### ۶. ۱. ۲. دیدگاه خدامحورانه و انسان‌محورانه نجات

امامیه انسان را موجود مختاری دانسته‌اند که تکالیف الهی را، از روی اختیار و توانایی، انتخاب می‌کند و انجام می‌دهد. بر اساس همین مبنا که انسان قدرت تصمیم‌گیری و اختیار دارد، نجات اخروی انسان‌ها، دارای دو جنبه است:

**الف. تفضل الهی؛** از آن نظر تفضلی است که بر عناصر الهی رستگاری و نجات در روز قیامت، مانند عفو الهی و شفاعت، تأکید دارد (حلی، ۱۴۱۵: ۵۰۹-۵۱۹).

**ب. استحقاق بشری؛** از آن حیث استحقاقی است که بر مؤلفه‌های انسانی نجات مانند ایمان، عمل صالح، توبه و امثال آن، که مربوط به افعال اختیاری انسان است تأکید دارد (طوسی، ۱۴۰۶: ۲۰۲-۲۰۳). از این‌رو که تلاش بشری نیز در فراهم‌ساختن اسباب نجات، مؤثر و کارساز است، فیض و ثوابی که شامل حال مؤمنان می‌شود، هم وجه استحقاقی به خود گرفته و هم جنبه تفضلی دارد.

### ۶. ۱. ۳. دیدگاه خدامحورانه نجات

مبنایی که اشاعره در باب نجات اخروی انسان‌ها برگزیده‌اند، یگانه عامل سعادت آنها را اراده الهی می‌داند. متکلمان اشاعره دیدگاه خدامحورانه‌ای در باب اسباب نجات اتخاذ کرده‌اند و علت اصلی نجات اخروی انسان را خداوند می‌دانند. بر اساس مبنای آنان، انسان از آگاهی، قدرت، و اختیار لازم برای برداشتن گام‌های اساسی به سمت نجات خود برخوردار نیست. این اراده، فیض و عنایت الهی است که موجب ایمان و عمل صالح افراد و در نهایت رستگاری آنها در جهان آخرت می‌شود (جوینی، ۱۴۱۶: ۳۸۱).

## نتیجه

امامیه، ضمن تأکید بر شمول توحید افعالی خدا، به غرض‌مندی در افعال الاهی و رعایت وجوب اصلح در آن معتقد شده‌اند و انسان را در انجام‌دادن افعالش مختار دانسته و حسن و قبح افعال را عقلی می‌دانند. آنها، اختیار انسان، حکمت و عدالت الاهی و حسن و قبح عقلی اشیا را از مبانی نجات‌شناسی انسان به شمار آورده و معتقدند آزادی است که مبنای فضیلت برای انسان شمرده می‌شود؛ اما متفکران اشاعره، قدرت آدمیان را در قالب کسب تفسیر کرده‌اند و یگانه عامل مؤثر در ایجاد اعمال بندگان را قدرت مطلقه الاهی دانسته‌اند. آنها رعایت وجوب اصلح در افعال الاهی را نپذیرفته‌اند و با نفی رابطه علیت در میان موجودات و انکار غرض‌مندی در افعال الاهی، انسان را در انجام‌دادن افعالش مجبور دانسته و قائل به حسن و قبح شرعی افعال شده‌اند. دیدگاه متکلمان امامیه و اشاعره درباره نجات پیروان مذهب یكدیگر متفاوت است. برخی از آنان انحصارگرا شده و فقط پیروان مذهب خویش را اهل نجات دانسته‌اند؛ اما برخی دیگر از آنها با اتخاذ رویکرد شمول‌گرایی، تمامی پیروان دین حق را اهل نجات می‌دانند؛ عده‌ای از متکلمان دو مذهب هم، نجات‌یافتگان را فراتر از دین و مذهب حق به شمار آورده‌اند. متکلمان امامیه، مسلمانان را به مؤمنان دارای عمل صالح و مرتکب گناه کبیره، مؤمنان مخالف مذهب و غیرمؤمنانی که مرتکب گناه کبیره شده‌اند تقسیم کرده‌اند و اکثریت آنها را اهل نجات دانسته‌اند. اندیشه آنها درباره غیرمسلمانان نیز متفاوت است. اکثر عالمان امامیه، با تمسک به قاعده «قبح عقاب بلا بیان» و استضعاف فکری، بسیاری از انسان‌های غیرمسلمان را نیز از اهل نجات می‌دانند. همچنین، دیدگاه عالمان اشعری درباره پیروان دین اسلام و غیرمسلمانان متفاوت است. عده‌ای از آنها مؤمنان مخالف مذهب و مستضعفان فکری را اهل نجات می‌دانند. امامیه و اشاعره بعضاً با اتفاق نظر، ایمان، عمل صالح، عفو الاهی، توبه، شفاعت و اتمام حجت نشدن با بندگان را، از جمله اسباب نجات اخروی انسان‌ها دانسته‌اند؛ اما گاه دیدگاهشان در باب اسباب نجات، با توجه به تفاوت مبانی‌شان در مباحث کلامی، مختلف بوده است. امامیه اعتقاد به امامت اهل بیت (علیهم‌السلام) را از جمله ارکان نجات دانسته‌اند و اعطای ثواب الاهی به بندگان را تفضلی و استحقاقی می‌دانند؛ اما اشاعره با بی‌اعتقادی به امامت اهل بیت (علیهم‌السلام)، اعطای ثواب به مؤمنان را فقط از باب تفضل و لطف خدا دانسته‌اند. متکلمان امامیه، با تمسک به حکمت و عدالت الاهی، عبادت را علت آفرینش انسان به شمار آورده و معتقدند اعطای ثواب و کیفر به نیکوکاران و بدکاران، بر مبنای عدالت استوار است و اگر پاداش و کیفر اخروی نباشد، عدالت الاهی مخدوش می‌شود؛ اما اشاعره، اراده الاهی را مطلق فرض کرده‌اند و برای انسان اختیاری قائل نیستند و تکلیف مالا یطاق را نیز از جانب خدا مجاز می‌دانند. آنها حکمت و عدالت الاهی، و حسن و قبح را ذیل «اراده الاهی» می‌آورند و معتقدند هر چه خدا انجام دهد، عین حکمت و عدالت است.



## منابع

- قرآن کریم (۱۴۱۵). ترجمه: محمدمهدی فولادوند، تهران: دارالقرآن الکریم.
- آمدی، سیف الدین (۱۴۲۳). ابکار الافکار فی اصول الدین، قاهره: دار الکتب.
- ابن فورک، محمد بن حسن (۱۴۲۵). مقالات الشیخ ابی الحسن الاشعری امام اهل السنة، بی‌جا: مکتبه الثقافة الدینیة.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب، بیروت: دار الفکر، الطبعة الثالثة.
- احمدی، محمد (۱۳۸۷). «مفهوم ایمان و عمل از نگاه فرقه‌های اسلامی»، در: میثاق امین، س ۲، ش ۸-۹، ص ۱۰۵-۱۲۷.
- الله‌باشتی، علی (۱۳۹۲). توحید و صفات الاهی، قم: دانشگاه قم، چاپ اول.
- ایچی، میرسید شریف (۱۳۲۵). شرح المواقف، قم: شریف الرضی، چاپ اول.
- بحرانی، ابن میثم (۱۴۰۶). قواعد المرام فی علم الکلام، قم: کتاب‌خانه آیت‌الله مرعشی نجفی، چاپ دوم.
- بغدادی، عبد القاهر (۱۴۰۸). الفرق بین الفرق و بیان الفرق الناجیة، بیروت: دار الجبل، دار الافاق.
- تفتازانی، سعدالدین (۱۴۰۹). شرح المقاصد، قم: شریف الرضی، چاپ اول.
- جوینی، عبد الملک (۱۴۱۶). الارشاد الی قواطع الأدلة فی اول الاعتقاد، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الاولى.
- حلی، یوسف بن مطهر (۱۳۷۸). کشف المراد، شرح: علی محمدی قم: دار الفکر، چاپ چهارم.
- حلی، یوسف بن مطهر (۱۴۱۵). مناهج البقین فی اصول الدین، تهران: دار الأسوة، الطبعة الاولى.
- حمصی رازی، سدید الدین (۱۴۱۲). المنقذ من التقليد، قم: المکتبه النشر الاسلامی، الطبعة الاولى.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (بی‌تا). المفردات فی غریب القرآن، در: <https://lib.eshia.ir/>
- ربانی گلپایگانی، علی (۱۴۱۸). قواعد الکلامیة، قم: مؤسسه الامام الصادق (علیه السلام)، الطبعة الاولى.
- سبحانی، جعفر (۱۴۳۲). مسائل جدید کلامی، قم: مؤسسه امام صادق (علیه السلام).
- سبحانی، جعفر (بی‌تا). جبر و اختیار، قم: مؤسسه امام صادق (علیه السلام).
- سید مرتضی (۱۴۱۱). الذخیره فی علم الکلام، قم: المکتبه النشر الاسلامی.
- شهرستانی، محمد بن عبد الکریم (۱۳۶۴). الملل والنحل، قم: شریف الرضی، الطبعة الثالثة.
- شهرستانی، محمد بن عبد الکریم (۱۴۲۵). نهاية الاقدام فی علم الکلام، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الاولى.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: المکتبه النشر الاسلامی، الطبعة الخامسة.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۶). الاقتصاد فیما يتعلق بالاعتقاد، بیروت: دار الأضواء، الطبعة الثانية.
- طیب، عبدالحسین (۱۳۶۲). کلم الطیب در تقریر عقاید اسلام، بی‌جا: کتاب‌خانه اسلام، چاپ چهارم.
- غزالی، ابو حامد (۱۴۱۶). مجموعة رسائل، بیروت: دار الفکر، الطبعة الاولى.

- غزالی، ابو حامد (بی تا). احیاء علوم الدین، بی جا: دار الکتب العربی.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۱۱). المحصل، عمان: دار الرازی، الطبعة الاولى.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰). مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة الثالثة.
- فیاض لاهیجی، عبدالرزاق (۱۳۸۳). گوهر مراد، تهران: سایه، چاپ اول.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲). الکافی، تهران: اسلامیه، چاپ دوم.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴). بحار الأنوار، بیروت: مؤسسة الوفاء.
- مصباح یزدی، محمدتقی (بی تا). آموزش عقاید، در: <https://lib.eshia.ir/>
- مطهری، مرتضی (بی تا). مجموعه آثار شهید مطهری، تهران: صدرا.
- مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳ الف). اوائل المقالات فی المذاهب والمختارات، قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید، الطبعة الاولى.
- مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳ ب). تصحیح اعتقادات الامامیه، قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید، الطبعة الاولى.
- نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد (۱۴۰۵). تلخیص المحصل المعروف بنقد المحصل، بیروت: دار الأضواء، الطبعة الثانية.
- وحید بهبهانی، محمد باقر (۱۴۱۵). الفوائد الحائریة، قم: مجمع الفكر الاسلامی، چاپ اول.

## References

- The Holy Quran. 1994. Translated by Mohammad Mahdi Fuladwand, Tehran: The Noble Quran Institute.
- Ahmadi, Mohammad. 2008. "Mafhum Iman wa Amal az Negah Fergheh-hay Islami (The Concept of Faith and Practice from the Perspective of Islamic Sects)", in: *Trustworthy Covenant*, yr. 2, no. 8-9, pp. 105-127. [in Farsi]
- Allah Bedashti, Ali. 2013. *Tawhid wa Sefat Elahi (Monotheism and Divine Attributes)*, Qom: University of Qom, First Edition. [in Farsi]
- Amedi, Seyf al-Din. 2002. *Abkar al-Afkar fi Osul al-Din (The Best Ideas in the Principles of Religion)*, Cairo: Books Institute. [in Arabic]
- Baghdadi, Abd al-Ghaher. 1987. *Al-Fargh bayn al-Feragh wa Bayan al-Ferghah al-Najiyah (The Difference between Sects & Explanation of the Saved Sects)*, Beirut: Al-Jayl Institute, Al-Afagh Institute. [in Arabic]
- Bahrani, Ibn Meytham. 1985. *Ghawaed al-Maram fi Elm al-Kalam (The Rules of Ideals in Theology)*, Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library. [in Arabic]
- Fakhr Razi, Mohammad ibn Omar. 1990. *Al-Mohassal (Summation)*, Oman: Al-Razi Institute, First Edition. [in Arabic]
- Fakhr Razi, Mohammad ibn Omar. 1999. *Mafatih al-Ghayb (Keys of the Unseen)*, Beirut: Arab Heritage Revival House, Third Edition. [in Arabic]
- Fayyaz Lahiji, Abd al-Razzagh. 2004. *Gohar Morad (Gem of Intention)*, Tehran: Shadow, First Edition. [in Farsi]
- Ghazzali, Abu Hamed. 1995. *Majmuah Rasael (Collection of Treatises)*, Beirut: Thought Institute, First Edition. [in Arabic]
- Ghazzali, Mohammad. n.d. *Ehya Olum al-Din (Revival of the Sciences of Religion)*, Beirut: Arabic Book Institute. [in Arabic]
- Hamsi Razi, Sadid al-Din. 1991. *Al-Monghez men al-Taghlid (Savior from Imitation)*, Qom: Islamic Publishing Institute, First Edition. [in Arabic]
- Helli, Yusof ibn Motahhar. 1994. *Manahej al-Yaghin fi Osul al-Din (Methods of Certainty in the Principles of Religion)*, Tehran: Role Model Institute, First Edition. [in Arabic]

- Helli, Yusof ibn Motahhar. 1999. *Kashf al-Morad*, Annotated by Ali Mohammadi, Qom: Thought Institute, Fourth Edition. [in Arabic]
- Ibn Furak, Mohammad ibn Hasan. 2004. *Maghalat al-Sheikh Abi al-Hasan al-Ashari Imam Ahl al-Sannah (Articles of Sheikh Abi Al-Hasan Al-Ashari, the Imam of the Sunnis)*, n.p: Religious Culture Institute. [in Arabic]
- Ibn Manzur, Mohammad ibn Mokarram. 1993. *Lesan al-Arab (Language of Arabs)*, Beirut: Institute of Thought, Third Edition. [in Arabic]
- Iji, Mir Seyyed Sharif. 1946. *Sharh al-Mawaghef*, Qom: Sharif al-Razi, First Edition. [in Arabic]
- Joweyni, Abd al-Malek. 1995. *Al-Ershad ela Ghawate al-Adellah fi Awwal al-Eteghad (Guide to Conclusive Evidence at the Beginning of Belief)*, Beirut: Scientific Books House, First Edition. [in Arabic]
- Koleyni, Mohammad ibn Yaghub. 1983. *Al-Kafi*, Tehran: Islamiyah, Second Edition. [in Arabic]
- Majlesi, Mohammad Bagher. 1983. *Behar al-Anwar (Oceans of Light)*, Beirut: Al-Wafa Institute. [in Arabic]
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi. n.d. *Amuzesh Aghaed (Teaching Beliefs)*, in: <https://lib.eshia.ir/>
- Mofid, Mohammad ibn Noman. 1992 a. *Awael al-Maghalat fi al-Mazaheb wa al-Mokhtarat (Primary Statements on Denominations and Anthologies)*, Qom: The World Conference of al-Sheikh al-Mofid, First Edition. [in Arabic]
- Mofid, Mohammad ibn Noman. 1992 b. *Tashih al-Eteghad al-Emamiyyah (Revision of Imamiyyah Beliefs)*, Qom: The World Conference of al-Sheikh al-Mofid, First Edition. [in Arabic]
- Motahhari, Morteza. n.d. *Majmueh Athar Shahid Motahhari (The Collection of the Martyr Motahhari's Works)*, Tehran: Sadra. [in Farsi]
- Nasir al-Din Tusi, Mohammad ibn Mohammad. 1984. *Talkhis al-Mohassal al-Maruf be Naghd al-Mohassal (Summary of the Book al-Mohassal Known as Naghd al-Mohassal)*, Beirut: Lights Institute, Second Edition. [in Arabic]
- Rabbani Golpaygani, Ali. 1997. *Ghawaed al-Kalamiyah (The Rules of Theology)*, Qom: Imam Sadegh (AS) Institute, First Edition. [in Arabic]

بررسی آموزه نجات اخروی از دیدگاه امامیه و اشاعره ... ۱۳۱/

- Ragheb Isfahani, Hosayn ibn Mohammad. n.d. *Al-Mofradat fi Gharib al-Quran (Glossary of Quranic Terms)*, in: <https://lib.eshia.ir/>
- Seyyed Morteza. 1990. *Al-Zakhirah fi Elm al-Kalam (Provision of Theology)*, Qom: Islamic Publishing Institute. [in Arabic]
- Shahrestani, Mohammad ibn Abd al-Karim. 1985. *Al-Melal wa al-Nehal (Nations & Schools)*, Qom: Sharif al-Razi, Third Edition. [in Arabic]
- Shahrestani, Mohammad ibn Abd al-Karim. 2004. *Nehayat al-Aghdam fi Elm al-Kalam (Final Steps in Theology)*, Beirut: Scientific Books House, First Edition. [in Arabic]
- Sobhani, Jafar. 2010. *Masa'el Jadid Kalami (New Issues of Theology)*, Qom: Imam Sadeq (AS) Institute. [in Farsi]
- Sobhani, Jafar. n.d. *Jabr wa Ekhtiyar (Determinism and Free Will)*, Qom: Imam Sadeq (AS) Institute. [in Farsi]
- Tabatabayi, Mohammad Hoseyn. 1996. *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran (The Yardstick of the Interpretation of the Quran)*, Qom: Islamic Publishing Office, Fifth Edition. [in Arabic]
- Taftazani, Sad al-Din. 1988. *Sharh al-Maghased (Explanation of Intentions)*, Qom: Sharif al-Razi, First Edition. [in Arabic]
- Tayyeb, Abd al-Hoseyn. 1983. *Kalem al-Tayyeb dar Taghdir Aghaed Islam (Pure Words in the Expression of Islamic Beliefs)*, n.p: Library of Islam, Fourth Edition. [in Arabic]
- Tusi, Mohammad ibn Hasan. 1985. *Al-Eghtesad fima Yataallagh be al-Eteghad (Moderation in Doctrine)*, Beirut: Lights Institute, Second Edition. [in Arabic]
- Wahid Behbahani, Mohammad Bagher. 1994. *Al-Fawaed al-Haeriyah*, Qom: Islamic Thought Association, First Edition. [in Arabic]